

احوال هرچرن داس و چهار گلزار شجاعی

یاسر یسین*

محمد صابر**

چکیده:

زبان و ادب فارسی شیرین ترین زبان و ادب جهان به شمار می رود و شبه قاره پاکستان، هند و بنگلادیش بعد از ایران دومین بزرگترین مرکز زبان و ادب فارسی بوده است. در این سرزمین پهناور و گسترده غیر از شعر و شاعری به تواریخ نویسی هم خیلی کار شده است و می توان گفت که اینجا در تاریخ نویسی بیشتر از سرزمین ایران نوشته شده است، از تاریخ نویسان شبه قاره یکی هرچرن داس بوده، در قرن دوازدهم زندگی می کرد و از آثارش چهار گلزار شجاعی است که مشتمل بر پنج چمن است و او این تاریخ را به نام رئیس اوده نواب شجاع الدوله کرده است.

واژه های کلیدی: تاریخ، شبه قاره، هرچرن داس، چهار گلزار شجاعی، زبان و ادب فارسی و غیره

دانشجوی دوره دکتری، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور
عضو هیات علمی گروه زبان، ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب لاهور

شبه قاره بزرگترین مرکز تاریخ نویسی فارسی بود. اینجا در تاریخ نویسی بیشتر از ایران نوشته شد و تواریخ شبه قاره عظمت رفته ما را گواهی می دهد. برای آگاهی و بیداری تشخص ملی مطالعه تواریخ ضروری است. همین تاریخ است که تسلسل ماضی را برقرار می دارد و برای توسعه جامعه یاد داشتها، ساختمانها و افکار ماضی ضروری است. به همین سبب ملت ها در اوراق گذشته ریشه خود را تلاش می کنند.

هرچرن داس بن اودی رای بن مکند رای بن ساگر مل تاریخ نگار زبان فارسی بود. وی در سال ۱۱۲۳ هجری قمری در میرته چشم به جهان گشود، زیرا در سال ۱۱۴۳ هجری قمری پدر بزرگش مکند رای در میرته فوت شد، آن وقت وی بیست ساله بود (Rieu, 1922-913) اجدادش در میرته چودهری (کدخدایی) و قانگویی بودند. وی پس از هجوم و تاخت نادر شاه در سال ۱۱۴۱ هجری قمری به دهلی رفت و بعد از مدتی به خدمت نواب قاسم علی خان فرزندانش در بنگله فیض آباد متصل اوده به علاقه نوکری زندگی کرد. قاسم علی خان پدرزن و خان سامان نجم الدوله محمد اسحاق خان بود که از امرای بلندپایه دولت گورکانیان به شمار می آمد و در زمان محمد شاه، احمد شاه گورکانی سمت بخشی داشت. هرچرن داس در سال ۱۱۶۷ هجری قمری همراه اربابش قاسم علی خان دهلی را ترک کرد و به اوده رفت و در فیض آباد سکونت اختیار کرد و بعد از درگذشت قاسم علی خان، وی در خدمت فرزندانش بخت النسا خانم و شفیق علی خان و نیز حسین علی خان پسر شفیق علی خان بسر برد. (بزرگر، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۶۹۰)

درباره درگذشت وی دقیقاً معلوم نیست. اما معلوم می شود که وی در سال ۱۱۹۹ هجری قمری در مقدمه کتابش "چهار گلزار شجاعی" نوشته است که آن

وقت هشتاد ساله بود و بعضی رویدادها را تا سال ۱۲۰۱ اضافه کرده است. (Storey, C-A, 1939, 475).

چهار گلزار شجاعی:

این اثر تاریخی چهار گلزار شجاعی نام دارد و دلیل انتخاب این اسم بنا به گفته مولف این است که ادای حق نوکری جناب فایض البرکات نواب شجاع الدوله بهادر دام اقباله و عز جلاله نیز بجا باید آورد. چون مزاج این عالی جناب از باغ ها و چمن های رنگارنگ رغبت بسیار دارد و از آنجا که هر داستانی از این کتاب کمتر از گل ها و چمن های رنگارنگ نیست، بنا براین، آن را به چهار گلزار شجاعی موسوم ساخته. هرچون داس این کتاب تاریخ هندوستان را از زمان رئیس اوده شجاع الدوله (۱۱۶۷-۱۱۸۹ق) نوشتن شروع کرد و دیباچه آن در سال ۱۱۹۹ق نوشته است و در آن بعضی مطالب را نیز افزوده است و رویدادها را تا سال ۱۲۰۱ق کشانده است و این کتاب را به نام رئیس اوده نواب شجاع الدوله کرد (ادیب، ۱۹۸۸م، ص ۵۵؛ عبدالله، سید، ۱۹۴۲م، ص ۱۰۴).

مولف نوشته است که کتاب را به چهار گلزار شجاعی موسوم ساختم و پنج چمن آن بر احوال جگ ها و راجه ها و پادشاهان هندوستان مقرر نمودم. چمن اول در بیان احوال بر مها و مهیس و بشن و آفرینش؛ چمن دوم در بیان احوال ست جگ؛ چمن سوم در بیان احوال تر تیا جگ و اوتارها؛ چمن چهارم در بیان احوال دواپر جگ؛ چمن پنجم در بیان احوال کلجک و راجه ها و پادشاهان هندوستان. اما این توضیح نارساست و ساختار و تقسیم بندی متن بر این صورت است:

مولف در گلزار اول در پنج چمن اول بطور مختصر در چمن اول احوال

نرانکار و بر مها، در چمن دوم احوال ست جك و در چمن سوم احوال ترتیا جك و اوتار ها و در چمن چهارم احوال دواپر جك و در چمن پنجم احوال كلجك را آورده است. سپس در ذیل عنوان قسم اول: احوال راجه ها و پادشاهان دهلی که در این وقت به شاهجهان آباد د هلی مشهور است، احوال راجه ها را در دوازده قسم بیان کرده است و در ذیل هر قسم نیز احوال راجه هایی را که يك جد مشترك داشته اند، آورده است، بدین ترتیب سر گذشت احوال يكصد و هفده راجه را آورده است. این قسم را می توان ذیل عنوان گلزار دوم جای داد.

سپس در ذیل عنوان قسم دوم: احوال سلطنت پادشاهان مسلمین نه قسم آمده است، قسم اول در احوال سلطان شهاب الدین غوری و غلامان او، ذکر احوال چهار ده پادشاه، قسم دوم در احوال پادشاهان خلجی که در دهلی فرمانروایی نمودند، ذکر چهار پادشاه. قسم سوم: احوال سلطنت خسرو خان، ذکر احوال همین پادشاه، قسم چهارم احوال غیاث الدین تغلق شاه، ذکر احوال هشت پادشاه، قسم پنجم در احوال سلطنت خضر خانیه، ذکر احوال چهار پادشاه، قسم ششم احوال بهلول لودهی، ذکر احوال سه پادشاه، قسم هفتم در احوال سلطنت ظهیر الدین محمد پادشاه، ذکر احوال دو پادشاه، قسم هشتم در بیان احوال سلطنت شیر شاه و غیره افغانان، ذکر احوال دو پادشاه، قسم نهم در احوال حضرت همایون پادشاه، این بخش ها را می توان گلزار سوم کتاب چهار گلزار داست.

پس از پایان قسم نهم مولف مطالب و رویدادهای فرعی را در ذیل چندین عنوان جای داده است. این گلزار با شرحی طولانی از زندگی نامه هرچرن داس آغاز می شود. این بخش ها را می توان گلزار چهارم به حساب آورد.

مولف احوال افراد را به ترتیب سیر تاریخی آورده و نظم و ترتیب را حفظ کرده ولی گاهی هم این ترتیب را بهم زده است مثلاً در پایان احوال بابر پادشاه هم نسبش را آورده است و هم تاریخ فرزندان چنگیز خان را آورده است. در حالی که در بخش های پایانی کتاب باز هم مدخلی را به احوال خود اختصاص داده است. هر چرنداس هر گاه ذکر احوال يك پادشاه تمام می شود، اخلاق و عادات او را توصیف می کند و اگر آثاری داشته باشد از آنها نام می برد.

هرچرن داس خود می گوید که در آن از شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، راجا ولی، رامایان، بهگوت گیتا، تاریخ فرشته و جز آن ها بهره برده است. (منزوی، احمد، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۲۵۱، وحید، ۱۹۷۲ م، ص ۱۴۷)

نسخه های خطی آن در کتابخانه های مختلف جهان نگهداری می شود. يك نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور در مجموعه سید عبدالله به شماره ۱۸ / Pei / ۴۵۳ نگهداری می شود و آن مشتمل بر ۵۷۳ برگ است (منزوی، احمد، ۱۹۸۸ م، ص ۵۲۶).

دومین نسخه خطی منتخب از آن در موزه بریتانیا، لندن، به شماره ۱۷۳۲

نگهداری می شود، آن مشتمل بر ۵۶۰ صفحه است (Riev, 1966: P:912)

آغاز نسخه خطی:

حمد گویم آن خدای پاک را

صورت انسان نموده خاک را

حمد و ثنای مر داوری را که از قطره آب و مشتی خاک عالم گوناگون آفریده.....

انجام نسخه خطی:

.....تمام شد تواریخ چهار گلزار شجاعی تصنیف هرچرن داس ساکن میرته در سنه يك هزار و دو صد و يك هجرت کانت الحروف بنده عاصی هرچرن داس امید از خوانندگان دارد هر جا که سهوی و خطایی رفته باشد، قلم اصلاح جاری داشته شیوه عیب پوشی نمایند بزرگان، [گفته اند].

کتاب شناسی و منابع:

- ادیب، سید مسعود حسن رضوی (۱۹۸۸م) لکهنویاتِ ادیب، مرتبه دکتر طاهر تونسوی، مغربی پاکستان، اردو اکیدمی، لاهور
- بزرگر (۱۳۸۰ش) هرچرن داس، دانشنامهٔ ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره به سرپرستی حسن انوشه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
- عبدالله، سید (۱۹۴۲م) ادبیات فارسی میں هندوون کا حصہ، انجمن ترقی اردو، دهلی
- منزوی احمد (۱۹۸۸م) فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد۔
- همو (۱۳۷۵ش) فهرستوارہ کتابهای فارسی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران۔
- وحیدمرزا (۱۹۷۲م) تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، دانشگاه پنجاب، لاهور
- Storey, C.A, (1939) Persian Literature A Bio-Bibliographical Survey Lusac and Co. London.
- Rieu, Charles (1966) Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum, The Trustees of the British Museum, London.